

نقش ابعاد اصلی شخصیت در نوع ارتباط با خدا

منصوره‌السادات صادقی*
مریم عصار**
فایزه پیمان پاک***
سیدمحسن ابراهیمی****

چکیده

هدف پژوهش، بررسی نقش ابعاد اصلی شخصیت در نوع ارتباط با خدا بود. به این منظور ۳۴۵ دانشجوی دانشگاه شهید بهشتی با استفاده از نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند و پرسشنامه‌های شخصیتی NEO فرم کوتاه (مک‌کری و کاستا، ۱۹۸۵) و ارتباط با خدا (مظاهری و همکاران، ۱۳۹۰) را تکمیل نمودند. نتایج تحلیل داده‌ها با آزمون همبستگی و رگرسیون نشان داد روان‌آزرده‌خویی پیش‌بینی‌کننده ارتباط نامطلوب با خدا، و ویژگی‌های برون‌گرایی، توافق‌جویی و وظیفه‌شناسی پیش‌بینی‌کننده ارتباط متناسب با خدا می‌باشند؛ افراد دارای این ویژگی‌های شخصیتی، رابطه مطلوب و مثبتی با خداوند برقرار نموده‌اند؛ به‌گونه‌ای که در این ارتباط، محبت، ترس و امید به خدا (رابطه مطلوب) منجر به احترام و اعتماد به خداوند شد؛ اما افراد روان‌آزرده‌خو تصویر ذهنی منفی نسبت به خود و خدا پیدا کرده و ارتباط خود با خدا را براساس مؤلفه‌های خدایی که دور و سخت‌گیر است، ساخته‌اند.

واژه‌های کلیدی: ابعاد شخصیت، ترس از خدا، محبت به خدا، امید به خدا، روان‌شناسی اسلامی، علم دینی

مقدمه

رابطه انسان با خدا رابطه‌ای بسیار قدیمی و فراگیر است و در همه ادیان نیز همواره از رابطه انسان با خدا و لزوم تنظیم و هدایت آن صحبت شده و به‌عنوان عالی‌ترین نوع پرستش یاد شده است (کاباریک^۱، ۱۹۹۸ و مظاهری، پسندیده و صادقی، ۱۳۹۰). اسلاتر^۲ (۲۰۰۵) بیان می‌کند که پژوهشگران معتقدند ارتباط انسان با خدا و دل‌بستگی وی به خدا موضوعی اولیه است؛ به‌گونه‌ای که این ارتباط و دل‌بستگی از تداوم الگوهای ایجاد شده در رابطه با دل‌بستگی کودک-والد و تسری آن به دیگر انواع رابطه (از جمله خدا) پدید آمده است. بر این اساس، نوع ارتباط افراد با خدا می‌تواند بر مبنای نوع ارتباط آنها با والدینشان شکل گیرد. پرسینگر^۳ (۱۹۹۸؛ به نقل از اسلاتر، ۲۰۰۵) اعتقاد دارد که وقتی شخصی درمانده است؛ همان ارتباطی را با خدا شکل می‌دهد که با والدینش در کودکی شکل داده است. پژوهشگران این نوع ارتباط را تحت‌تأثیر رابطه کودک با والدین می‌دانند و بر آن تأکید دارند (اسلاتر، ۲۰۰۵؛ کرک پاتریک^۴، ۲۰۰۵؛ صادقی، مظاهری و ملک‌عسگر، ۱۳۸۷؛ دیکی، آجیگا، کویلاک و نیکسون^۵، ۲۰۰۶ و نصیرزاده و زال‌پور، ۱۳۹۰)، اما به نظر می‌آید علاوه بر مؤلفه نوع ارتباط کودک با خدا و تأثیر آن بر روی ارتباط فرد با خدا، موضوع از دریچه‌ای دیگر نیز قابل بررسی است. اگر در رابطه والد-فرزند و تعیین نوع دل‌بستگی وی غیر از نوع ارتباط والدین، خلق‌و‌خو و یا نوع خصوصیات شخصیتی فرد درگیر باشد (گوتیرز، جیمنز، هرناوندز و پوئنت^۶، ۲۰۰۵؛ هیز و جوزف^۷، ۲۰۰۳)؛ بنابراین، این احتمال را نباید از نظر دور داشت که در نوع ارتباط انسان با خدا غیر از دل‌بستگی فرد به والدین، به عوامل دیگر نیز می‌بایست توجه کرد.

گورساج^۸ (۱۹۶۸) اعتقاد دارد که مفهومی شدن انگاره ذهنی از خدا با تکرار شکل‌های مختلف نیایش، اعتقادات مذهبی، مناسک دینی، سلامت روانی و متغیرهای شخصیتی رابطه دارد. به نظر می‌آید، گرچه نظریه‌های مختلف در حوزه روان‌شناسی

1. Kuburick

2. Slater

3. Persinger

4. Kirkpatrick

5. Diekie, Ajega, Kobylak, & Nixon

6. Gutierrez, Jimenez, Hernandez, & Puente

7. Hays & Joseph

8. Gorsuch

شخصیت (آلپورت^۱ و راس^۲، ۱۹۶۷؛ پیدمونت^۳، ۱۹۹۷؛ سوسیر و گلدبرگ^۴، ۱۹۹۸؛ مک‌دونالد^۵، ۲۰۰۰؛ به نقل از مغانلو، وفایی و شهرآرای، ۱۳۹۰) دین و معنویت^۶ را موضوعاتی سودمند برای تحقیق و نظریه‌پردازی قلمداد کرده‌اند تا آنجا که حتی تعدادی از پژوهشگران نیز این فرض را پذیرفته‌اند که خصوصیات شخصیتی در پرورش و رشد ابعاد دینداری مؤثرند و حتی گروهی از نظریه‌پردازان چنین مطرح کرده‌اند که دین و ارتباط با خدا، یکی از ابعاد مهم در ساختار شخصیت است که در مدل پنج‌عاملی شخصیت^۷ نادیده گرفته شده است (ارلینگ- بونتکو، هکمن- ون استیگ و ورچار^۸، ۲۰۰۵)، اما حجم وسیعی از پژوهش‌ها مربوط به حوزه خصوصیات شخصیتی به پیامدهای دین و دینداری محدود شده است؛ برای نمونه، در دهه‌های اخیر تحقیقات گسترده‌ای به‌منظور بررسی رابطه خصوصیات شخصیتی با دین، با استفاده از مدل سه‌عاملی شخصیت آیزنک شامل برون‌گرایی^۹، روان‌گسسته‌واری^{۱۰} و روان‌آزرده‌خویی^{۱۱} (آیزنک و آیزنک^{۱۲}، ۱۹۸۵؛ به نقل از ارلینگ- بونتکو، هکمن- ون استیگ و ورچار، ۲۰۰۵) و مدل پنج‌عاملی شخصیت شامل تجربه‌پذیری، برون‌گرایی، روان‌آزرده‌خویی، همسازی توافق‌جویی^{۱۳} و وظیفه‌شناسی^{۱۴} (مک‌کرا و کاستا^{۱۵}، ۲۰۰۴) انجام گرفته‌اند. نتایج تحقیقات انجام شده براساس مدل سه‌عاملی نشان می‌دهند که از بین عوامل شخصیت، تنها عامل گرایش به روان‌گسستگی با دینداری رابطه منفی دارد و دو عامل دیگر با دینداری رابطه ندارند (ر.ک: آرگیل، ۲۰۰۰؛ کشاورز، شاه‌نظری و کلانتری، ۱۳۸۸؛ ظروفی، ۱۳۸۸؛ ارلینگ- بونتکو و دیگران، ۲۰۰۵؛ مغانلو و همکاران، ۱۳۹۰ و...).

بنابراین، با توجه به موضوع پژوهش‌های مرورشده، گویا شخصیت و مؤلفه‌های شخصیت؛ از جمله عواملی باشد که در پژوهش‌های مرتبط با تصور از خدا و ارتباط افراد با خدا بسیار مورد غفلت قرار گرفته است. البته در دهه‌های اخیر پژوهش‌هایی در

- | | |
|---|------------------------|
| 1. Allport | 2. Ross |
| 3. Peidmont | 4. Saucioer & Goldberg |
| 5. MacDonald | 6. spirituality |
| 7. Five-factor model of personality | |
| 8. Eurlings-Bontekoe, Hekman-Van Steeg, & Verschuur | |
| 9. Extraversion | 10. psychotics |
| 11. Neuroticism | 12. Eysenck |
| 13. agreeableness | 14. consciousness |
| 15. Mccare & Costa | |

حوزه‌های مرتبط انجام شده‌اند که به بررسی رابطه انسان با خدا و انگاره ذهنی از وی با خصوصیات روان‌شناختی و گاه متغیرهای شخصیتی پرداخته‌اند. برای نمونه، ابدل‌سید، باستروم، تیزدل، ریمر و کمپ^۱ (۲۰۱۲) گزارش دادند که ویژگی‌های شخصیتی همچون خودکنترلی، اضطراب و استقلال بر روی تصور افراد از خدا و دینداری آنها تأثیرگذار است. برام، موی، اسکاپ، و ون تیلبرگ^۲ (۲۰۰۸) و شاپ-جانکر، یورلینگز-بونتکو، زاک و جانکر^۳ (۲۰۰۸) نشان دادند افرادی که روان‌رنجور هستند، ترس و اضطراب بیشتری از خداوند و احساس نارضایتی نسبت به خداوند دارند؛ همچنین، فلانلی، گالک، ایسون و کونیک^۴ (۲۰۱۰)، ورهاگن، وانپراگ، لویز-ایبور و کاکس^۵ (۲۰۱۰)، شاپ-جانکر و دیگران (۲۰۰۲) و نیز ریزاتو^۶ (۱۹۷۹) دریافتند افرادی که آسیب‌های روان‌شناختی جدی‌تری دارند، تصویرشان از خدا منفی‌تر است؛ درنهایت، پیدمونت، ویلیامز و سیاروچی^۷ (۱۹۹۷) در پژوهش خود گزارش دادند که ویژگی‌های شخصیتی (انعطاف‌ناپذیری، منفی‌گرایی و مشکلات هیجانی) رابطه تنگاتنگی با تصور ذهنی منفی افراد از خدا دارد. اگرچه برخی از پژوهش‌های ذکر شده رابطه ویژگی‌های شخصیتی و ارتباط و تصور از خدا را نشان دادند، اما در مطالعات مذکور صرفاً رابطه همبستگی متغیرهای مذکور بررسی شده و جهت سنجش ویژگی‌های شخصیتی و رابطه با خدا مقیاس‌های متفاوتی استفاده شده است.

مقیاس پنج عامل بزرگ شخصیت عملکرد الحاقی دارد، زیرا سیستم‌های مختلف توصیف شخصیت را در یک چارچوب مشترک ارائه می‌دهد و عوامل پنجگانه در فرهنگ‌های مختلف عموماً ثابت هستند (مک‌کرا و کاستا، ۱۹۹۱). چندین نظریه مفهوم‌سازی پنج عامل را به عنوان ساخت‌هایی ارتباطی مورد توجه قرار داده‌اند (ویجینز و تراپنل، ۱۹۹۶؛ به نقل از مک‌کرا و کاستا، ۲۰۰۴). در این مدل شخصیت بهنجار مرکب از پنج بعد روان‌آزوده‌خویی، برون‌گرایی، گشودگی، توافق‌جویی و

1. Abdelsayed, Bustrum, Tisdell, Reimer & Camp
2. Braam, Mooi, Schaap Jonker, & VanTilburg
3. Schaap-Jonker Eurelings-Bontekoe, Zock & Jonker
4. Flannelly, Galek, Ellison & Koenig
5. Verhagen, VanPraag, López-Ibor, Cox
6. Rizzuto
7. Piedmont, Williams & Ciarrocchi

وظیفه‌شناسی است. روان‌آزرده‌خویی بعدی است که زیربنای تجربه مزمن هیجان‌های ناراحت‌کننده است (بوژارد، لوسیر و سابورین^۱، ۱۹۹۹). برون‌گرایی به عنوان رویکرد فعال به دنیای اجتماعی است و گشودگی یا پذیرا بودن نسبت به تجارب، نشان‌دهنده عمق و پیچیدگی ذهن و تجارب زندگی فرد است. توافق‌جویی بین جهت‌گیری ارتباطی و تمایل نسبت به دیگران و خصومت و مخالفت تمایز قائل می‌شود و وظیفه‌شناسی نشان‌دهنده رفتار و وظیفه‌مدار و هدف‌مدار است (پروین و جان، ۱۳۸۶).

از سوی دیگر، مقیاس‌های تصور و ارتباط با خدا بر پایه نوع نگاه به خدا از ادیانی غیر از اسلام می‌باشد؛ در حالی که در پژوهش حاضر، از مقیاس ارتباط با خدا برگرفته از مظاهری، پسندیده و صادقی (۱۳۹۰) که براساس متون دینی و اسلامی و با توجه به متون تخصصی روان‌شناسی است، استفاده شده است. مظاهری و همکاران (۱۳۹۰)، با این فرض بنیادین که هدف اصلی تمامی ادیان - حتی ادیان غیرالهی - ایجاد رابطه‌ای بین انسان و خدا بوده است، انگیزه‌ها و مؤلفه‌هایی را که می‌توانسته‌اند به نوعی در ایجاد، شکل‌گیری، تنظیم، هدایت، تداوم، توسعه و تحکیم این رابطه مؤثر واقع شوند را شناسایی نموده و مورد استفاده قرار داده‌اند؛ بدین ترتیب، این پژوهشگران با استفاده از روش تحلیل منابع مستند (یکی از روش‌های تحقیق کیفی) و با استفاده از متن قرآن و متون حدیث به جمع‌آوری بیش از ۳۵۰۰ آیه و روایت در حداقل سیزده زمینه مختلف پرداختند. سرانجام پس از بررسی‌های انجام شده، الگوی فرضی رابطه انسان با خدا در سه بعد «ترس از خدا»، «نیاز به خدا»، و «محبت به خدا» بنا شد. منظور از ترس، به عنوان عامل رابطه با خدا این است که فرد به منظور اجتناب از پیامدهای منفی و غیرقابل قبول، رفتارهای خود را مطابق نظر و دستورات خداوند (یعنی عامل قدرت) انجام می‌دهد. منظور از نیاز به خدا این است که فرد با هدف به دست آوردن چیزی، یا نیل به موقعیت خوشایند و خواسته‌شده‌ای، یا پیامد مثبت و انتظاررفته‌ای از دستورات و اوامر خداوند (یعنی منبع فیض) پیروی و اطاعت می‌کند. منظور از محبت به خدا در انسان تنظیم رفتاری است که در چارچوب نظر و خواسته‌های موضوع محبت، به منظور به دست آوردن رضایت خداوند و نزدیک‌تر شدن به پروردگار انجام می‌شود. بررسی و تحلیل آموزه‌های دینی و اعتقادی ادیان توحیدی (و حتی غیرتوحیدی) و نیز تحلیل

1. Bouchard, Lussier & Sabourin

رفتارهای معتقدان به ادیان مختلف نشان می‌دهد که یک یا ترکیبی از مؤلفه‌های سه‌گانه ترس از خدا، نیاز به خدا و محبت به خدا، محور و بنیاد اصلی رفتارهای دینی را تشکیل می‌دهند؛ بنابراین، می‌توان با استفاده از این سه مؤلفه به ابداع الگویی به منظور فهم و تحلیل بهتر ماهیت الگوی ارتباط با خدا در سطح فردی اقدام نمود. در این الگو، از ترکیب مؤلفه‌های «ترس از خدا» و «محبت به خدا»، مؤلفه‌ای به نام «احترام به خدا» به وجود می‌آید (پیاژه^۱، ۱۳۶۹). نیز در بحث از تحول و تربیت اخلاقی در کودکان تأکید می‌کند که احترام احساس مختلطی از ترس و محبت است؛ به نقل از مظاهری و همکاران، (۱۳۹۰). از ترکیب مؤلفه‌های «نیاز به خدا» و «محبت به خدا» نیز مؤلفه‌ای به نام «اعتماد به خدا» به وجود می‌آید که هر چه احترام و اعتماد بیشتر باشد، محبت و عشق به خداوند بیشتر است (مظاهری و همکاران، ۱۳۹۰). نکته بسیار مهم دیگری که باید در ارتباط با ابعاد سه‌گانه رابطه انسان با خدا مورد توجه و تأکید قرار گیرد، این است که اگرچه نمرات بالا در ابعاد ترس و امید رشدیافته‌تر و مطلوب‌تر هستند، ولی حالت‌های افراطی در این ابعاد حالت‌های مطلوب و پسندیده‌ای نیستند و نه تنها پیامدهای بهنجار و سالمی ندارند، بلکه چنانچه از متون دینی نیز برمی‌آید می‌توانند کاملاً آسیب‌زا باشند؛ تاحدی که اگر کنترل و مهار نشوند حتی نقشی معکوس در رابطه انسان با خدا ایفا خواهند کرد. حالت افراطی ترس از خدا به یأس منجر می‌شود؛ یعنی درماندگی و مأیوس شدن از رحمت بیکران و واسعه خداوند که خود باعث کاهش و از دست رفتن انگیزه‌های عمل می‌شود. حالت افراطی امید به خدا منجر به تجری می‌شود؛ یعنی گستاخی و یا حالت بی‌باکی که خود باعث می‌شود فرد به دلیل امید افراطی که به رحمت واسعه و بیکران خداوند دارد، دست به ارتکاب گناه و نافرمانی بزند. یأس و تجری خشم به خدا را زیاد کرده و منجر به رابطه نامتناسب با خدا و احساس خصومت به وی می‌شود. نکته بسیار مهم و جالب توجه این است که در مقابل دو بعد بیم و امید که افراط در آنها مشکل‌ساز خواهد بود، به نظر می‌رسد که بعد محبت به خدا حالت افراط ندارد و به عبارت دیگر، هر چه شدت پیدا کند منفی نمی‌شود و به وضعیت یا حالت نامطلوب نمی‌رسد و بنابراین، هر چه بیشتر باشد بهتر است؛ یعنی حد بهینه ندارد. این مفهوم در آیات و روایات هم آمده است که خدا را

1. Piaget, J.

حتی از خودتان هم بیشتر دوست دارید؛ بنابراین، انسجام مؤلفه‌های ارتباط با خدای مطلوب (ترس و امید و محبت نسبت به خدا) نشان‌دهنده احترام و اعتماد به خداست و انسجام مؤلفه‌های نامطلوب در کنار یکدیگر (یأس و تجری و خصومت نسبت به خدا) نشان‌دهنده نافرمانی و خشم نسبت به خداست (ر.ک: مظاهری و همکاران، ۱۳۹۰). بنابراین، گرچه پژوهش‌های اندکی در حوزه ارتباط با خدا انجام شده است، اما همین پژوهش‌ها نیز مرتبط با آسیب‌های شخصیتی و روان‌شناختی بوده‌اند و فقدان پژوهش در حیطه بررسی صفات شخصیتی بهنجار و نوع رابطه انسان به خدا بخصوص در بافت ایران اسلامی که متفاوت از بافت جوامع غربی است، مشاهده می‌شود؛ بدین ترتیب، این پژوهش با هدف پاسخگویی به این سؤال‌ها انجام شد که آیا ابعاد اصلی شخصیت فرد نقشی در نوع ارتباط وی با خدا ایفا می‌کند؟ آیا افراد با بعدهای مختلف روان‌آزرده‌خویی، برون‌گرایی، گشودگی، توافق‌جویی و وظیفه‌شناسی نوع خاصی از ارتباط با خدا دارند؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع مطالعات همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانشجویان دختر و پسر دانشگاه شهید بهشتی تهران است. از این جامعه ۳۷۰ دانشجو (براساس جدول مورگان) نمونه به روش نمونه‌گیری غیراحتمالی از طریق مراجعه به کلاس‌های درس، کتابخانه و فضای آزاد دانشگاه انتخاب شدند و پرسشنامه‌ها را تکمیل نمودند که در نهایت تعداد ۳۴۵ پرسشنامه کامل مورد بررسی قرار گرفت.

مقیاس شخصیتی پنج‌عاملی^۱ NEO-FFI، فرم کوتاه ۶۰ ماده‌ای (مک‌کرا و کاستا، ۱۹۹۱). این مقیاس با ۶۰ ماده، پنج عامل اصلی شخصیت (روان‌آزرده‌خویی، برون‌گرایی، گشودگی، توافق‌جویی و وظیفه‌شناسی) را می‌سنجد. در این مقیاس، برای هر عامل دوازده سؤال اختصاص یافته است، ماده‌ها به صورت پنج‌گزینه‌ای است و حداقل نمره ۰ و حداکثر نمره ۲۴۰ است. روایی همزمان این پرسشنامه با پرسشنامه

1. Big Five Inventory

مایرز بریگز^۱، پرسشنامه شخصیتی مینه‌سوتا^۲، پرسشنامه تجدیدنظر شده کالیفرنیا^۳ و پرسشنامه گیلفورد^۴ و زاگرن^۵ بررسی شده و رابطه بالا و معناداری گزارش شده است (جان و سریواستاوا، ۱۹۹۹؛ مک‌کرا و کاستا، ۲۰۰۴) اعتبار ابزار به روش پایایی با استفاده از روش بازآزمایی روی ۶۴ نفر به فاصله دو هفته برای پنج عامل به ترتیب ۰/۸۷، ۰/۸۴، ۰/۷۹، ۰/۸۰ و ۰/۸۲ و نیز ضریب آلفای کرونباخ پنج عامل به ترتیب ۰/۷۶، ۰/۶۵، ۰/۵۹، ۰/۴۸، ۰/۷۵ گزارش شده است. ضریب آلفای گزارش شده توسط مک‌کری و کاستا بین ۰/۷۴ تا ۰/۸۹ با میانگین ۰/۸۱ متغیر بوده است (مک‌کرا و کاستا، ۲۰۰۴). در هنجاریابی این آزمون که توسط گروسی (۱۳۸۰) روی نمونه‌ای با حجم دو هزار نفر انجام شد، ضریب همبستگی پنج عامل اصلی بین ۰/۵۶ تا ۰/۸۷ گزارش شده است و روایی لازم را داشته است (ر.ک: گروسی، ۱۳۸۰). در پژوهش حاضر، اعتبار این آزمون از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۹ به دست آمده است.

مقیاس ارتباط با خدا (مظاهری، پسندیده و صادقی، ۱۳۹۰). مقیاس ۶۷ ماده‌ای ارتباط با خدا براساس الگوی سه‌بعدی رابطه انسان با خدا (بیم، امید و محبت) و با استناد به منابع اسلامی (احادیث و روایات) و فرهنگ جامعه اسلامی ایران، در شش بعد ساخته شده است. هر یک از مواد این مقیاس، توصیف کوتاهی از چگونگی ارتباط افراد با خداست و شامل شش زیرمقیاس؛ «بیم (ترس از خدا)»، «امید (نیاز به خدا)»، و «محبت به خدا»، «یأس (حالت افراطی ترس)»، «تجری (حالت افراطی امید)» و «خصومت نسبت به خدا»، جهت سنجش ارتباط افراد با خداست. آزمودنی‌ها پس از مطالعه هر جمله، میزان تطابق آن را با حالات و تجربه‌های خود در ارتباط با خدا بر روی یک مقیاس لیکرت پنج درجه‌ای تعیین می‌کنند. نتیجه انجام این آزمون شش نمره (عدد) است که هر نمره شاخص یکی از ابعاد ارتباط با خداست. گستره دامنه نمره‌ها برای هر سؤال از یک تا پنج در تغییر می‌باشد. قابل ذکر است که انسجام مؤلفه‌های ارتباط با خدای مطلوب (ترس و امید و محبت نسبت به خدا) نشان‌دهنده احترام و اعتماد به خداست و انسجام مؤلفه‌های نامطلوب در کنار یکدیگر (یأس، تجری و خصومت نسبت به خدا) نشان‌دهنده نافرمانی و خشم نسبت به خداست (مظاهری، پسندیده و

1. Myers Briggs Test

2. Minnesota Personality Questionnaire

3. California Revised Questionnaire

4. Guilford

5. Zuckerman

صادقی، بی‌تا). روایی محتوایی این پرسشنامه از طریق نظرخواهی از تعدادی از کارشناسان مباحث اسلامی و متخصصان روان‌شناسی انجام شد؛ همچنین، روایی سازه این مقیاس نیز با جدا کردن افراد متعلق به گروه‌های مختلف با پایبندی متفاوت به اعتقادات دینی مورد تأیید قرار گرفت. نتایج بررسی روایی سازه در این مطالعه نشان داد که ابعاد ارتباط با خدا در گروه‌های مختلف (مسلمان کامل معتقد و پایبند، مسلمان اغلب معتقد و پایبند، مسلمان نه‌چندان پایبند، بدون تصمیم در مورد دین) تفاوت معناداری دارد؛ به عنوان نمونه، نتایج تحلیل داده‌ها نشان داد در حالی که در ابعاد ترس بیشترین ابعاد ترس نسبت به خدا در گروه «مسلمان اغلب معتقد و پایبند»، مشاهده می‌شود که کمترین ترس نسبت به خدا در گروه «بدون تصمیم در مورد دین» مشاهده شد. در بعد محبت نسبت به خدا نیز تفاوت گروه‌ها به شکلی است که در گروه «مسلمان کامل معتقد و پایبند»، محبت نسبت به خدا بیشترین نمره را در مقایسه با سایر گروه‌ها داشت و میزان محبت نسبت به خدا در گروه «بدون تصمیم در مورد دین»، کمترین مقدار مشاهده شد؛ همچنین، یافته‌های پژوهش نشان داد که گروه «بدون تصمیم در مورد دین» در ابعاد نامطلوب ارتباط با خدا بیشترین نمره را داشتند و گروه «مسلمان کامل معتقد و پایبند»، در مقایسه با سایر گروه‌ها کمترین نمره را در این ابعاد گزارش دادند (ر.ک: مظاهری و دیگران، ۱۳۹۰). اعتبار آزمون، براساس اجرای مقدماتی و نهایی بر روی هشتصد نفر دانشجو به وسیله آلفای کرونباخ، ۰/۸۱ تا ۰/۸۷ به دست آمد (همان). در پژوهش حاضر اعتبار ابزار به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۵ محاسبه شد.

یافته‌ها

در این پژوهش تعداد ۳۴۵ نفر از دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی شرکت داشتند که از این تعداد ۵۲/۰۵٪ دختران و ۴۷/۹۵٪ را پسران بودند. میانگین و انحراف استاندارد سن شرکت‌کنندگان در پژوهش به ترتیب ۲۳/۵۹ و ۱۰/۲۹ بود. در جدول شماره ۱ میانگین نمرات ابعاد شخصیت و مؤلفه‌های ارتباط با خدا و نیز ضرایب همبستگی بین آنها گزارش شده است.

جدول ۱: ماتریس همبستگی ویژگی‌های شخصیت با ابعاد ارتباط با خدا (n=۳۴۵)

متغیرها	M	SD	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
۱. روان‌آزرده‌خویی	۲۳/۰۸	۸/۰۸	۰/۲۷**	۰/۲۶	-۰/۱۳*	۰/۲۶**	۰/۰۶	۰/۱۳*
۲. برون‌گرایی	۲۸/۱۶	۶/۵۵	-۰/۰۱	۰/۲۶**	۰/۳۲**	-۰/۳۰**	-۰/۱۰	-۰/۲۴**
۳. گشودگی	۲۷/۹۴	۵/۳۹	-۰/۳۱**	-۰/۲۷**	-۰/۱۸**	-۰/۰۲	۰/۰۳	۰/۰۱
۴. توافق‌جویی	۲۹/۸۲	۵/۱۵	-۰/۱۱*	۰/۱۳*	۰/۳۴**	-۰/۴۱**	-۰/۳۸**	-۰/۴۱**
۵. وظیفه‌شناسی	۳۲/۵۰	۷/۰۷	-۰/۱۴*	۰/۰۹	۰/۳۴**	-۰/۳۶**	-۰/۲۹**	-۰/۲۹**
۶. ترس از خدا	۴۱/۷۷	۸/۹۳	-	-	-	-	-	-
۷. امید به خدا	۴۶/۷۳	۷/۶۵	-	-	-	-	-	-
۸. محبت به خدا	۵۹/۵۰	۱۰/۰۹	-	-	-	-	-	-
۹. یاس (ترس افراطی)	۱۱/۳۵	۴/۴۹	-	-	-	-	-	-
۱۰. تجری (امید افراطی)	۱۳/۰۰	۳/۵۶	-	-	-	-	-	-
۱۱. خصومت به خدا	۹/۷۶	۴/۱۴	-	-	-	-	-	-

سطح $P < ۰/۰۵$ * $P < ۰/۰۱$ **

همان‌طور که در جدول شماره ۱ مشاهده می‌شود، از بین مؤلفه‌های ارتباط با خدا میانگین نمره محبت به خدا از همه بیشتر و میانگین نمره خصومت از همه کمتر است؛ همچنین، طبق نتایج این جدول روان‌آزرده‌خویی با مؤلفه‌های ترس از خدا، یأس و خصومت نسبت به خدا رابطه مثبت و با مؤلفه محبت به خدا رابطه منفی معنادار دارد. این بدان معناست که ویژگی روان‌آزرده‌خویی با ارتباطی از نوع ترس، یأس؛ یعنی حالت افراطی ترس و در نتیجه، خصومت نسبت به خدا (نمی‌خواهم با خدا رابطه داشته باشم) رابطه دارد. ویژگی برون‌گرایی با مؤلفه‌های امید و نیز محبت به خدا رابطه مثبت معنادار و با مؤلفه‌های یأس و خصومت نسبت به خدا رابطه منفی معنادار دارد. ویژگی شخصیتی گشودگی نیز با ترس، امید و محبت به خدا رابطه منفی معنادار دارد. توافق‌پذیری نیز با مؤلفه‌های امید و محبت به خدا رابطه مثبت معنادار و با مؤلفه‌های ترس از خدا، یأس، تجری و خصومت رابطه معنادار منفی دارد. ویژگی مسئولیت‌پذیری با مؤلفه‌های ترس، یأس، تجری و خصومت رابطه معنادار منفی و با مؤلفه محبت به خدا رابطه معنادار مثبت دارد.

پس از بررسی ماتریس همبستگی بین مؤلفه‌ها در جدول ۲ برای تعیین سهم ابعاد شخصیت در پیش‌بینی مؤلفه‌های ارتباط با خدا (ترس، امید، محبت به خدا- یأس، تجری و خصومت به خدا) از مدل تحلیل رگرسیون استفاده شد.

جدول ۲: نتایج پیش‌بینی ابعاد ارتباط با خدا توسط مؤلفه‌های روان‌آزرده‌خویی، برون‌گرایی، گشودگی،

توافق‌جویی و وظیفه‌شناسی شخصیت

متغیر پیش‌بین	ملاک	مدل کلی تحلیل واریانس		خلاصه مدل		ضریب استاندارد B	t	P
		P	F	R ²	R			
روان‌آزرده‌خویی	ترس از خدا	۰/۰۰۱	۱۸/۴۱	۰/۰۷	۰/۲۶	۰/۲۶	۴/۷۳	*۰/۰۰۱
	امید به خدا	۰/۶۵	۰/۲۰	۰/۰۰۱	۰/۰۳	۰/۰۳	۰/۴۵	۰/۶۵
	محبت به خدا	۰/۰۲	۵/۰۶	۰/۰۲	۰/۱۴	۰/۱۴	-۲/۳۵	*۰/۰۲
	یاس (ترس افراطی)	۰/۰۰۱	۱۵/۷۹	۰/۰۶	۰/۲۵	۰/۲۴	۳/۹۷	*۰/۰۰۱
	تجری (امید افراطی)	۰/۱۸	۱/۷۶	۰/۰۷	۰/۰۸	۰/۰۷	۱/۳۲	۰/۱۹
	خصوصیت به خدا	۰/۰۲	۴/۸۷	۰/۰۲	۰/۱۴	۰/۱۴	۲/۲۰	*۰/۰۲
برون‌گرایی	ترس از خدا	۰/۶۳	۰/۲۲	۰/۰۰۱	۰/۰۳	۰/۰۳	۰/۴۲	۰/۶۴
	امید به خدا	۰/۰۰۱	۲۳/۸۸	۰/۰۸	۰/۲۹	۰/۲۹	۴/۸۸	*۰/۰۰۱
	محبت به خدا	۰/۰۰۱	۴۶/۵۱	۰/۱۵	۰/۳۹	۰/۳۹	۶/۸۲	*۰/۰۰۱
	یاس (ترس افراطی)	۰/۰۰۱	۳۱/۶۵	۰/۱۱	۰/۳۳	-۰/۳۳	-۵/۶۲	*۰/۰۰۱
	تجری (امید افراطی)	۰/۰۱	۶/۴۵	۰/۰۲	۰/۱۵	-۰/۱۵	-۲/۵۴	*۰/۰۱
	خصوصیت به خدا	۰/۰۰۱	۲۸/۸۱	۰/۱۰	۰/۳۲	-۰/۳۲	-۵/۳۶	*۰/۰۲
گشودگی	ترس از خدا	۰/۰۰۱	۲۲/۶۲	۰/۰۸	۰/۲۸	-۰/۲۸	-۴/۷۵	*۰/۰۰۱
	امید به خدا	۰/۰۰۱	۲۰/۲۸	۰/۰۷	۰/۲۷	-۰/۲۷	-۴/۵۰	*۰/۰۰۱
	محبت به خدا	۰/۰۱	۶/۰۶	۰/۰۲	۰/۱۵	-۰/۱۵	-۲/۴۶	*۰/۰۱
	یاس (ترس افراطی)	۰/۳۸	۰/۷۵	۰/۰۰۳	۰/۰۵	-۰/۰۵	-۰/۸۶	۰/۳۸
	تجری (امید افراطی)	۰/۸۰	۰/۰۶	۰/۰۰۱	۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۲۴	۰/۸۰
	خصوصیت به خدا	۰/۶۵	۰/۲۰	۰/۰۰۱	۰/۰۲	-۰/۰۲	-۰/۴۵	۰/۶۵
توافق‌جویی	ترس از خدا	۰/۰۲	۵/۰۴	۰/۰۲	۰/۱۴	-۰/۱۴	-۲/۲۴	*۰/۰۲
	امید به خدا	۰/۰۶	۳/۵۰	۰/۰۱	۰/۱۱	۰/۰۱	۱/۹۷	۰/۰۶
	محبت به خدا	۰/۰۰۱	۳۲/۵۸	۰/۱۱	۰/۳۴	۰/۳۴	۵/۷۰	*۰/۰۰۱
	یاس (ترس افراطی)	۰/۰۰۱	۶۱/۷۵	۰/۱۹	۰/۴۴	-۰/۴۴	-۷/۸۶	*۰/۰۰۱
	تجری (امید افراطی)	۰/۰۰۱	۵۱/۵۱	۰/۱۷	۰/۴۱	-۰/۴۱	-۷/۱۷	*۰/۰۰۱
	خصوصیت به خدا	۰/۰۰۱	۵۹/۴۸	۰/۱۹	۰/۴۳	-۰/۴۳	-۷/۷۱	*۰/۰۰۱
وظیفه‌شناسی	ترس از خدا	۰/۰۲	۵/۰۵	۰/۰۲	۰/۱۴	-۰/۱۴	-۲/۲۴	۰/۰۲
	امید به خدا	۰/۳۶	۰/۸۱	۰/۰۰۳	۰/۰۵	۰/۰۵	۰/۹۰	۰/۳۶
	محبت به خدا	۰/۰۰۱	۳۳/۳۱	۰/۱۱	۰/۳۴	۰/۳۴	۵/۷۷	*۰/۰۰۱
	تجری (امید افراطی)	۰/۰۰۱	۳۰/۶۴	۰/۱۰	۰/۳۲	-۰/۳۲	-۵/۵۳	*۰/۰۰۱
	خصوصیت به خدا	۰/۰۰۱	۲۵/۱۰	۰/۰۹	۰/۳۰	-۰/۳۰	-۵/۰۱	*۰/۰۰۱

همان‌طور که نتایج جدول شماره ۲ نشان می‌دهد، مؤلفه روان‌آزرده‌خویی شخصیت پیش‌بینی‌کننده ارتباط با خدا بر پایه ترس از خدا، یاس و خصوصیت نسبت به خداست. البته ارتباط منفی نیز با بعد محبت به خدا دارد؛ به عبارت دیگر، این ویژگی شخصیتی

ارتباط با خدا را به‌گونه‌ای شکل می‌دهد که فرد در ارتباط با خدا دچار یأس شده است و در نتیجه، محبت نسبت به خدا کمتر شده و با خصومت نسبت به خدا رابطه نشان داده است. ویژگی برون‌گرایی شخصیت پیش‌بینی‌کننده مثبت ارتباط با خدا بر پایه امید و محبت نسبت به خدا و پیش‌بینی‌کننده منفی یأس، تجری و خصومت نسبت به خداست؛ به عبارت دیگر، بعد برون‌گرایی پیش‌بینی‌کننده ارتباط با خدا به طور مثبتی است. گشودگی نیز پیش‌بینی‌کننده ترس، امید و محبت به خداست. البته نتایج جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که بعد گشودگی شخصیت با ترس، امید و محبت به خدا رابطه منفی دارد. بعد توافق‌جویی شخصیت با ابعاد یأس، تجری و خصومت نسبت به خدا (انسجام مؤلفه‌های نامطلوب ارتباط با خدا) ارتباط منفی دارد. این ارتباط به‌گونه‌ای است که این بعد از شخصیت ارتباط با خدا را بر پایه محبت با وی دارد و از یأس، تجری و خصومت نسبت به خدا دور است. مطابق جدول ۲ ویژگی وظیفه‌شناسی شخصیت پیش‌بینی‌کننده منفی ابعاد یأس، تجری و خصومت نسبت به خدا و پیش‌بینی‌کننده مثبت بعد محبت به خداست.

بحث

مطالعه حاضر به منظور بررسی نقش ابعاد اصلی شخصیت در نوع ارتباط افراد با خدا انجام شد. نتایج تحلیل داده‌ها نشان داد که ویژگی روان‌آزرده‌خویی شخصیت با ابعاد منفی ارتباط با خدا؛ یعنی یأس (ترس افراطی) و خصومت نسبت به خدا رابطه مثبت و با بعد مثبت ارتباط با خدا؛ یعنی محبت به خدا رابطه منفی معنادار دارد (جدول ۱). نتایج تحلیل رگرسیون نیز نشان می‌دهد که ویژگی روان‌آزرده‌خویی شخصیت نوعی ارتباط منفی با خدا را پیش‌بینی می‌کند؛ به‌گونه‌ای که ارتباط با خدا، بر پایه یأس و خصومت نسبت به خداست و هر چه این مؤلفه در فردی قوی‌تر باشد، ارتباط وی با خدا بر پایه محبت نسبت به خدا کمتر است.

حدادی کوهسار و غباری‌بناب (۱۳۹۰) و برام و دیگران (۲۰۰۸) اعتقاد دارند که روان‌آزرده‌خویی با احساس ترس، گناه و نارضایتی از خدا همراه است؛ در نتیجه، فرد انگاره منفی از خدا شکل می‌دهد (حدادی کوهسار و غباری‌بناب، ۱۳۸۹ و فلانلی و دیگران، ۲۰۱۰) و این تصور منفی، منجر به ارتباط دور و سختگیرانه با خدا می‌شود.

به نظر می‌آید که بعد روان‌آزرده‌خویی شخصیت با دربرگیری ویژگی‌هایی از قبیل نگرانی و دلشوره، ناامنی، غمگینی، بدخلقی، عصبی بودن با عواطف مثبت، توکل، سپاس و شکرگزاری، و... در تضاد باشد (داوری، باقری و بنی‌اسدی، ۱۳۹۰)؛ بنابراین، افرادی که نمره بالایی در بعد روان‌آزرده‌خویی دارند، هیجان‌خواهی منفی دارند و با احساس اضطراب و بی‌کفایتی و... ارتباط ناامیدکننده‌ای با خدا (مانند: هرچه خدا را صدا می‌زنم، پاسخی دریافت نمی‌کنم) را دارند. درنهایت، ارتباط با خدا به سوی ارتباطی فاصله‌دار مانند خدا سختگیر است و نمی‌خواهم رابطه‌ای با وی داشته باشم، جهت‌دهی می‌شود که ارتباط نامناسبی با خداست؛ به عبارت دیگر، بعد روان‌آزرده‌خویی با ویژگی‌های منفی غمگینی، تحریک‌پذیری، فقدان اطمینان و تجربه هیجان‌ها مزمن منجر می‌شود که فرد فقدان خودارزشی داشته باشد و احساس عدم کفایت و لیاقت احساس ناامیدی را در وی افزایش دهد و در نتیجه، این مؤلفه ارتباط با خدا را به گونه‌ای شکل می‌دهد که فرد به حالت افراطی ترس از خدا؛ یعنی به یأس منجر می‌شود. یأس نیز با درماندگی و مأیوس شدن از رحمت بیکران و واسعه خداوند که خود باعث کاهش و از دست رفتن انگیزه‌های عمل می‌شود، همراه است؛ زیرا طبیعی است که انسان مأیوس دلیلی برای خویش‌تنداری و بازداری خواسته‌ها، رفتارها و امیال خود نخواهد داشت و درنهایت، این یأس و درماندگی منجر می‌شود که افراد نسبت به خدا خشم و خصومت داشته باشند. بنابراین، انسجام مؤلفه‌های نامطلوب ارتباط با خدا؛ یعنی یأس و خصومت در کنار یکدیگر منجر می‌شود، فرد ارتباط نامطلوبی با خداوند شکل دهد (مظاهری و همکاران، ۱۳۹۰).

نتایج جدول‌های ۱ و ۲ نشان می‌دهد که ویژگی برون‌گرایی شخصیت با ابعاد مطلوب ارتباط با خدا؛ یعنی امید و نیز محبت به خدا رابطه مثبت معنادار و با ابعاد نامطلوب یعنی یأس (حالت افراطی ترس) و خصومت نسبت به خدا رابطه منفی معنادار دارد. نتایج پژوهش‌های متعددی از جمله گلزاری (۱۳۷۹) و دوریز (۲۰۰۲) نشان داد که بین برون‌گرایی با نتایج مثبت دینداری رابطه معناداری وجود دارد. به نظر می‌آید که بعد شخصیتی برون‌گرایی با جهت‌دهی فرد برای تجربه هیجان‌خواهی مثبت، فعال و پرانرژی بودن، صمیمی، شاد و خوش‌بین و مهربان بودن، و جرأت‌مندی و مثبت بودن (جان و سریواستاوا، ۱۹۹۹)، تمایل فرد را برای داشتن انگاره ذهنی مثبت از خود

و دیگران (چنگ و فرهنگ، ۲۰۰۳) و نیز انگاره ذهنی مثبت از خدا (غباری بناب و حدادی کوهسار، ۱۳۸۹) شکل می‌دهد و در نتیجه، این مثبت‌بینی ارتباط مثبت و متناسب وی با خداوند را بیشتر می‌کند؛ به گونه‌ای که این افراد در نتیجه تجربه هیجان‌های مثبت و اعتماد و خوش‌بینی با انگیزه به ارتباط خود با خدا نگرسته‌اند و با امید متناسب به خدا و محبت نسبت به خداوند (از ترکیب مؤلفه‌های «نیاز به خدا» و «محبت به خدا»، مؤلفه‌ای به نام «اعتماد به خدا» به وجود می‌آید)، اعتماد به خدا را شکل داده‌اند که پیامد عملی اعتماد (یا امید) توکل به خدا؛ یعنی تکیه کردن به خدا یا واگذار کردن امور خود به خداوند می‌باشد (مظاهری و دیگران، ۱۳۹۰). همچنین، توجه به نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که ابعاد نامتناسب ارتباط با خدا (یأس و تجری) در فردی با این خصوصیت شخصیتی به صورت منفی پیش‌بینی می‌شود. یأس و تجری که حالت‌های افراطی و نامتناسب ترس و امید می‌باشند و نیز خصومت به خدا (انسجام مؤلفه‌های نامطلوب ارتباط با خدا) منجر به درماندگی و گستاخی نسبت به خدا و سرانجام خشم و کینه‌ورزی نسبت به وی خواهد شد؛ بنابراین، این افراد با انسجام مؤلفه‌های مطلوب ارتباط با خدا (یعنی: امید و محبت) ارتباط مطلوبی با خداوند شکل داده‌اند.

یافته پژوهشی دیگر نشان داد که بعد گشودگی شخصیت با ترس، امید و محبت به خدا رابطه منفی معنادار دارد. توجه به نتایج نشان می‌دهد که اگرچه افرادی با این بعد از شخصیت با ابعاد مطلوب ارتباط با خدا رابطه مثبتی ندارند، اما این بدان معنا نیست که فرد دارای این ویژگی شخصیتی ارتباط نامطلوبی با خدا دارد (عدم پیش‌بینی‌کنندگی ابعاد نامتناسب ارتباط با خدا)؛ به عبارت دیگر، در حالی که این ویژگی شخصیتی با انسجام مؤلفه‌های مطلوب ارتباط با خدا رابطه منفی دارد، اما هیچ رابطه مثبتی نیز با انسجام مؤلفه‌های نامطلوب رابطه با خدا ندارد (یأس، تجری و خصومت). گشودگی با پذیرا بودن نسبت به تجارب بر قدرت تخیل، کنجکاوی، علایق متنوع، ابتکار و نگرش‌های روشنفکرانه دلالت دارد (بوژارد و همکاران، ۱۹۹۹). افرادی که در عامل گشودگی نمره بالایی دارند، کاوشگر یا جستجوگر نامیده می‌شوند. آنها مجذوب تازگی‌ها (چیزهای تازه) و نوآوری‌ها می‌گردند. به نظر می‌آید که این افراد با توجه به تمایلاتی از قبیل کنجکاوی و انعطاف‌پذیری مایل به پذیرش عقاید جدید باشند.

فراهانی (۱۳۸۸) در مطالعه‌ای برای شناسایی پنج صفت بزرگ ایرانی، توضیح می‌دهد که خصوصیت گشودگی خصوصیتی است که ابهاماتی دارد. این بعد نزد برخی از متخصصان به گشودگی و برخی دیگر، به فرهنگ شناخته شده است. در تحلیل عامل بر روی نمونه‌های ایرانی، افرادی بودند که درصدد کسب دانش و پردازش بودند؛ اما عنوان فرهنگ این جنبه از شخصیت را در نتیجهٔ تعلیم و تربیت (البته از نوع غربی و تأکید بر تعلیم لیبرالیستی) لحاظ کرده است (فراهانی، ۱۳۸۸).

تبیین احتمالی برای این یافته، به نظر می‌آید مرتبط بودن ویژگی‌های این بعد شخصیت نظیر کنجکاوی و کسب دانش و پردازش با نقش شناخت در ابعاد رابطه انسان با خداست. مظاهری و همکاران (۱۳۹۰) اعتقاد دارند که یکی از مهم‌ترین ابعاد یا عوامل در رفتار دینی، شناخت (معرفت یا علم) است. در این چارچوب باید متذکر شد که عامل شناخت نقش بسیار مهم، محوری و تعیین‌کننده در این الگو دارد و در واقع، در بطن هر سه عامل مورد اشاره مستتر است و زیرساخت اصلی آنها را تشکیل می‌دهد؛ به عبارت دیگر، میزان ترس، نیاز یا محبتی که شخص نسبت به خدا دارد، بی‌تردید وابسته به ماهیت و میزان شناختی است که از خدا دارد و اساساً همان‌گونه که خواجه نصیرالدین طوسی تأکید کرده است: «ایمان در لغت به معنای هرگونه تصدیق و باور داشتن است» (سهروردی، ۱۳۷۴؛ به نقل از مظاهری و همکاران، ۱۳۹۰). آرژیل (۲۰۰۰) با بیان اینکه بیشتر رفتارهایی که در انسان معطوف به هدف هستند، متضمن اندیشه قبلی بر اهداف می‌باشند؛ مکانیزم اصلی و زیربنایی در رفتارها و اعتقادات دینی را مکانیسم‌های شناختی می‌داند. ازراک (۱۹۸۹؛ به نقل از آرژیل، ۲۰۰۰) نیز در بررسی و توضیح تحول دینی نشان می‌دهد که تحول دینی بر پایه تحول شناختی به عنوان زیربنای کسب معرفت‌های دینی بنا می‌شود؛ بدین ترتیب، عامل شناخت در این الگو به عنوان عامل یا بعدی در کنار سایر ابعاد در نظر گرفته نشده است، بلکه به عنوان عاملی کلی‌تر در نظر گرفته می‌شود که زیرساخت‌های اصلی ابعاد سه‌گانه مورد اشاره (یعنی: به طور کلی ایمان) را تعیین می‌کند؛ بنابراین، می‌توان مدعی شد که در الگوی نظری مورد بحث، «شناخت» عاملی کلی و بسیط است که هر یک از ابعاد سه‌گانه ترس، امید و محبت بر آن بنا شده‌اند. آیات و روایات زیادی وجود دارد که علم و شناخت را ملازم با ایمان به خدا می‌دانند؛ به عنوان نمونه، این مسئله در قرآن کریم با ذکر این

واقعیت که دانشمندان و علما از خدا می‌ترسند، مورد تأکید قرار گرفته است. در ادبیات و عرفان اسلامی نیز این مسئله به خوبی مورد توجه و تأکید قرار گرفته است؛ به عنوان مثال، خواجه عبدالله انصاری در رساله «صد میدان» بر اهمیت وجود علم در هر یک از ابعاد مذکور تأکید می‌کند: «زندگانی دل سه چیز است... یکی زندگانی بیم است با علم و دیگر زندگانی امید با علم؛ سیم، زندگانی دوستی با علم» (مظاهری و همکاران، ۱۳۹۰)؛ بنابراین، احتمال می‌رود که این افراد با توجه به خصوصیت شخصیتی کنجکاو و در جستجوی کسب دانش و معرفت و نیز با توجه به اینکه نمونه از میان دانشجویان بوده است که با توجه به سن خصوصیت در جستجوی هویتشان نیز بارز است، هنوز به شناختی که خود در جستجوی آن هستند، نرسیده‌اند و احتمالاً هنوز در مرحله کاوش می‌باشند. لازم به توضیح است که علم نیز خود دارای درجات و مراتب گوناگون است و این درجات و مراتب موجب تفاوت یافتن درجات ایمان افراد نیز می‌گردد.

از دیگر یافته‌های پژوهش حاضر، نقش ویژگی شخصیتی توافق‌جویی در نوع ارتباط افراد با خداست. نتایج یافته‌ها نشان می‌دهد که توافق‌جویی با ابعاد مطلوب ارتباط با خدا؛ یعنی نیاز، امید و محبت به خدا رابطه معنادار مثبت و با ابعاد منفی ارتباط با خدا؛ یعنی یأس، تجری و خصومت رابطه معنادار منفی دارد. افراد با ویژگی شخصیتی توافق‌جو با تمایلاتی؛ همچون خوش‌قلبی، خوش‌خلقی، گذشت، بخشش، دلسوزی، ادب و تواضع، سخاوتمندی، احسان، مدارا، حسن‌خلق، تعاون، عفو و گذشت، همدلی و نیز نوع دوستی و اعتمادورزی می‌توانند ارتباط مناسبی با خدا داشته باشند. به نظر می‌آید، دارا بودن چنین تمایلاتی بر شایستگی و توانایی ذهنی فرد اثر می‌گذارد که این امر به نوبه خود منجر به افزایش شناخت، اعتماد و ایجاد روابط ایمنی نسبت به خدا می‌شود (وو، ۲۰۰۹)؛ به گونه‌ای که ارتباط با خدا بر پایه ترس (فرد به منظور اجتناب از پیامدهای منفی و غیرقابل قبول، رفتارهای خود را مطابق نظر و دستورات خداوند - یعنی: عامل قدرت - انجام می‌دهد) و امید (فرد با هدف به دست آوردن چیزی و یا نیل به موقعیت خوشایند و خواسته‌شده‌ای، یا پیامد مثبت و انتظاررفته‌ای از دستورات و اوامر خداوند - یعنی: منع فیض - پیروی و اطاعت می‌کند) و محبت (تنظیم رفتار در چارچوب نظر و خواسته‌های موضوع محبت، به منظور به دست آوردن رضایت وی و

نزدیکتر شدن به او) و نیز ترکیب ترس و محبت و نیز امید و محبت، «احترام به خدا» (یا تکلیف نسبت به خدا) و «اعتماد به خدا» (یا امید به خدا) و درنهایت، «عشق به خدا» را در خود شکل می‌دهند (مظاهری و دیگران، ۱۳۹۰). به نظر می‌آید که دارا بودن این‌گونه خصوصیات شخصیتی مثبت در افراد، احساس پذیرش فرد از خود را بیشتر می‌نماید و منجر به احساس دوست داشتن خود و درنهایت، شکل‌گیری این باور خواهد شد که انسان‌ها ارزش دوست داشته شدن و مراقبت توسط خداوند را دارند و در نتیجه، احترام و اعتماد به خدا، اعتمادورزی و احترام نسبت به خداوند، الگوی ارتباطی مطلوبی را با وی منجر خواهد شد (برام و دیگران، ۲۰۰۸؛ تیزدل و دیگران، ۱۹۹۷).

وظیفه‌شناسی از دیگر ویژگی‌های شخصیتی است که با ترس از خدا و نیز ابعاد منفی ارتباط با خدا؛ یعنی یأس، تجری و خصومت با خدا رابطه معنادار منفی و با بعد محبت به خدا رابطه معنادار مثبتی دارد؛ به عبارت دیگر، این بعد شخصیتی رابطه منفی با انسجام مؤلفه‌های نامطلوب ارتباط با خدا؛ یعنی یأس، تجری و خصومت نسبت به خدا دارد. به نظر می‌آید که افراد با تمایلات کارآمدی، قابلیت اتکا، خودنظم‌بخشی، منطقی و آرام بودن و پیروی از هنجارها و حس کفایت به راهبردهای انطباقی نظم‌بخشی هیجانی و عاطفی دست یافته‌اند که این راهبردها منجر به تصور کارآمد فرد از خود و در نتیجه، از یک سو منجر به احساس تعلق‌پذیری، حضور و ادراک حمایت خدا و توکل بر خدا می‌شود و از سوی دیگر، باعث افزایش احساس نقش کنترل‌کنندگی خدا (ترس از خدا) و احساس پذیرفته شدن از سوی خدا (محبت به خدا) می‌شود و فرد احساس می‌کند که تنها نیست و خداوند نیز در تعیین سرنوشت زندگی او دخیل است؛ از این رو، اعتماد به خداوند افزایش می‌یابد (غباری‌بناب و حدادی کوهسار، ۲۰۱۱) و در نتیجه، این افراد خدای دوست‌داشتنی دارند که از وی مأیوس نمی‌شوند و نسبت به خداوند گستاخی ندارند و ارتباط کینه‌توزانه‌ای نسبت به وی احساس نمی‌کنند (ابدل‌سید و دیگران، ۲۰۱۲).

با عنایت به نتایج پژوهش حاضر، می‌توان این‌گونه بیان نمود که هیچکدام از ویژگی‌های شخصیتی (به جز روان‌آزرده‌خویی) ارتباط مثبتی با انسجام مؤلفه‌های نامطلوب ارتباط با خداوند ندارند؛ به عبارت دیگر، ویژگی‌هایی همچون برون‌گرایی،

توافق‌جویی و وظیفه‌شناسی هر کدام با ضریب استاندارد بالا و به طور معکوسی ارتباط نامطلوب با خدا را پیش‌بینی می‌کردند؛ یعنی افراد با این نوع ویژگی‌های شخصیتی نسبت به خداوند مأیوس و گستاخ نیستند و در نتیجه، به خاطر این نوع ارتباط نسبت به خداوند نافرمانی و بغضی احساس نمی‌کنند. نکته جالب توجه و مشترک در هر سه این ویژگی‌های شخصیتی ارتباط با خدا براساس بعد محبت نسبت به اوست؛ بنابراین، در ارتباط این افراد با خدا ارتباطی نزدیک و صمیمی مشاهده می‌شود. به طوری که اگر محبت به خدا وجود داشته باشد، دیگر فرد نمی‌تواند به یأس (حالت افراطی ترس) و تجری (حالت افراطی امید) برسد و فردی که خدا را دوست داشته باشد، نمی‌تواند در برابر وی گستاخ و بی‌پروا باشد (مظاهری و همکاران، ۱۳۹۰). به هر حال، این نوع ارتباط در مطالعات مختلف؛ از جمله پژوهش فراتحلیل سارگلو^۱ (۲۰۱۰) نیز تأیید شده است. سارگلو (۲۰۱۰) گزارش داده است که در کشورهای مختلف همه ابعاد دین (دینداری، معنویت و بنیادگرایی) به طور مثبت با ویژگی‌هایی از قبیل توافق‌جویی و وظیفه‌شناسی همبستگی دارند و توافق‌جویی و وظیفه‌شناسی نیز به عنوان ویژگی‌های عمده شخصیت دیندار ظاهر می‌شوند که در میان ابعاد متفاوت دینداری، بافت (جنسیت، سن، گروه، کشور و...)، سنجش‌های شخصیت و... همسان هستند و می‌توانند به عنوان عوامل تعیین‌کننده از تغییرپذیری فردی در دینداری در نظر گرفته شوند.

در پایان، می‌توان نتیجه گرفت که ویژگی‌های شخصیتی مثبت؛ مانند هیجان‌خواهی مثبت، خوش‌بینی، مهربانی، اعتماد، گذشت، احساس کفایت، سخت‌کوشی و استقامت با پدید آوردن راهبردهای انطباقی هیجانی و احساس مثبت فرد نسبت به خود، در نتیجه بر میزان شایستگی و تلاش فرد و ادراک توانمند بودن فرد، اعتماد به خود و پذیرش خود، زمینه شادمانی و شکل‌گیری عواطف مثبت و دید مثبت فرد به دیگران مهم (ملک‌جاه، ۲۰۰۴) از جمله خدا را شکل می‌دهد (حدادی کوهسار و غباری‌بناب، ۲۰۱۱) و در نتیجه پذیرش و اعتماد به خدا را نیز فراهم می‌آورد و ارتباط نزدیکی با خدا شکل می‌گیرد؛ از این‌رو، استنباط می‌شود که ویژگی‌های مثبت شخصیتی تصور مثبتی در فرد به وجود می‌آورد که با احساس نقش نظارت و پذیرفته شدن از سوی خدا، افراد احساس می‌کنند که تنها نیستند و خدا نیز حضور دارد (محبت به خدا) و

1. Saroglou, V.

آنها را در مسائل یاری می‌کند؛ به عبارتی، خداوند نقش منفعلی ندارد و در تعیین سرنوشت زندگی دخیل است (ترس از خدا و نداشتن یأس) و این باعث افزایش اعتماد به خداوند در زندگی می‌شود (امید به خدا و نداشتن یأس)؛ در نتیجه، ارتباط مطلوبی با خداوند برقرار می‌شود که در آن وظیفه، تکلیف و نیز محبت به خدا را افزایش می‌دهد.

برعکس، در ویژگی شخصیتی منفی (روان‌آزرده‌خویی) با ایجاد اضطراب و احساس ناخوشایند نسبت به خود و دیگران مهم (رابینسون و دیگران، ۲۰۰۷)، خدا نیز این گونه تصور می‌شود و رابطه نامناسبی با خدا شکل خواهد گرفت؛ به طوری که گرین‌وی^۱ و همکاران (۲۰۰۳؛ به نقل از غباری‌بناب و حدادی کوهسار، ۲۰۱۱) نیز در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که بین ویژگی‌های شخصیتی منفی توأم با عدم شایستگی فرد و افسردگی با تصویر ذهنی منفی از خداوند رابطه وجود دارد.

در پایان اشاره به این نکته ضروری است که گرچه ابعاد شخصیت می‌تواند سازنده و زیربنای نوع ارتباط افراد با خود و دیگران مهم باشد، اما نقش دوگانه این متغیرها؛ یعنی نوع ارتباط افراد با خود و دیگران مهم در شکل‌گیری و تثبیت ویژگی‌های مهم شخصیتی نامعلوم است که پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده با بررسی این مسئله به این نوع سؤال‌ها پاسخ گفت. همچنین، پیشنهاد می‌شود با توجه به نقش سبک دلبستگی (طبق الگوی انطباقی کرک پاتریک، ۱۹۹۹) چگونگی نقش دلبستگی افراد در این فرایند نیز در پژوهش‌های آتی مورد توجه قرار گیرد؛ از سوی دیگر، با توجه به نتایج پژوهش‌ها، آموزش سبک تربیتی مناسب و نیز رابطه متناسب والدین با فرزندان و ایجاد فضای گفتگویی متناسب برای انتقال صحیح ارزش‌ها می‌تواند نقش با اهمیتی در نوع شکل‌گیری شخصیت فرزندان، رشد خودپنداره آنها و تصویرسازی و ارتباط متناسب با خداوند را ایفا نماید.

منابع

- پروین، ل. و جان، ا. (۱۳۸۶)، *شخصیت: نظریه و پژوهش*، ترجمه محمدجعفر جوادی و پروین کدیور، تهران: آبیژ.
- حدادی کوهسار، ع. ا. و غباری‌بناب، ب. (۱۳۸۹)، *رابطه افکار پارانوئیدی با انگاره ذهنی از خدا و کیفیت دلبستگی در دانشجویان*، اولین همایش کشوری دانشجویی عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت.
- _____ (۱۳۹۰)، «تصویر ذهنی از خدا و افکار پارانوئیا مانند در دانشجویان»، *روان‌شناسی تحولی*، س ۷، ش ۲۷، ص ۲۸۹-۲۹۵.
- داوری، ص؛ باقری، م. و بنی‌اسدی، ح. (۱۳۹۰)، «پیش‌بینی دینداری با توجه به ابعاد شخصیت در معلمان زن و مرد»، *روان‌شناسی و دین*، ش ۴، ص ۲۶-۵.
- غباری‌بناب، ب. و حدادی کوهسار، ع. ا. (۱۳۸۹)، «رابطه انگاره ذهنی از خدا با روان‌پریشی و جسمی‌سازی در دانشجویان»، *مجله دست‌آوردهای روان‌شناختی*، س ۴، ش ۲، ص ۱۹-۳۴.
- صادقی، م. س؛ مظاهری، م. ع. و ملک‌عسگر، س. (۱۳۸۷)، «والدین، خود و دیگران مهم: منابع تصور از خدا»، *مجله علوم رفتاری*، س ۲، ش ۱، ص ۸۳-۹۶.
- ظروفی، م. (۱۳۸۸)، «بررسی سلامت روانی و رابطه آن با گرایش به اعمال مذهبی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد شبستر»، *روان‌شناسی و دین*، ش ۴، ص ۱۵۶-۱۴۳.
- فراهانی، م. ن. (۱۳۸۸)، *پنج صفت بزرگ ایرانی، تاریخچه، اندازه‌گیری و دیدگاه‌های نظری*، تهران: آزاده.
- گروسی، م. ت. (۱۳۸۰)، *رویکردهای نوین در ارزیابی شخصیت (کاربرد تحلیل عاملی در ارزیابی شخصیت)*، تهران: دانیال.
- کشاورز، ا.؛ شاه‌نظری، م. و کلانتری، م. (۱۳۸۸)، «رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی با عمل به باورهای دینی در دانشجویان»، *دوفصلنامه مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، ش ۴، ص ۸۳-۹۶.
- گلزاری، م. (۱۳۷۹)، *ساخت و اعتباریابی مقیاسی برای سنجش ویژگی‌های شخصیتی*

- رفتاری افراد مذهبی و رابطه این خصوصیات با بهداشت روانی آنها، پایان نامه دکتری، دانشگاه علامه طباطبایی.
- مظاهری، م. ع؛ پسندیده، ع. و صادقی، م. (بی تا)، ساخت، اعتباریابی و رواسازی پرسشنامه ارتباط با خدا، (بی نا).
- _____ (۱۳۹۰)، مثلث ایمان: الگوی ابعادی رابطه انسان با خدا، قم: انتشارات دارالحدیث.
- مغانلو، م؛ وفایی، م. و شهرآرای، م. (۱۳۹۰)، «رابطه عوامل و وجوه پنج عاملی شخصیت با دینداری»، پژوهش‌های روان‌شناختی، ش ۱، ص ۲۹-۷.
- نصیرزاده، ر؛ زال‌پور، خ. (۱۳۹۰)، «تأثیر تجربه فقدان بر ادراک کودکان در مورد والدین و خداوند»، فصلنامه خانواده‌پژوهی، س ۷، ش ۲۶، ص ۱۷۳-۱۶۱.
- Abdelsayed, L.M., Bustrum, J.M., Tisdell, Th.C., Reimer, K.S., & Camp.C.A. (2012), The impact of personality on God image, religious coping, and religious motivation among Coptic Orthodox priests. *Mental Health Religion & Culture (Ment Health Relig Cult)*, 15(5):449-466
- Argyle, M.(2000). *Psychology and religion*, London and New York: Rout ledge.
- Bouchard, G., Lussier, Y., & Sabourin, S. (1999), Personality and marital adjustment: Utility of the five-factor model of personality. *Journal of Marriage and the Family*, 61: 651-660
- Braam, A. W., Mooi, B., Schaap Jonker, H., & VanTilburg, W. D. J. (2008), God image and Five-Factor Model personality characteristics in laterlife: A study among inhabitants of Sassen eim in The Netherlands. *Mental Health, Religion & Culture*, 11(6): 547-559.
- Braam, A. W., Schaap-Jonker, H., Mooi, B., De Ritter, D., Beekman, A. T. F., & Deeg, D. J. H.(2008), God image and mood in old age: Results from a community based pilot study in the Netherlands Netherlands. *Health, Religion & Culture*, 11 (2): 221-237.

- Cheng, H., Furnham, F. (2003). Personality, self-esteem, and demographic predictions of happiness and depression. *Personality and Individual Differences*, 34: 921-942.
- Diekie, J., Ajega, L., Kobylak, J., & Nixon, M. (2006), Mother, father, and self: Sources of young adults' God concepts. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 45(1): 57-71.
- Duriez, B. (2002). *As sheep amidst the wolves: Religion in the social environment*, Doctoral Dissertation, Leuven: K. U. Leuven.
- Eurelings-Bontekoe, E. H., Hekman-Van Steeg, J., & Verschuur, M. J. (2005), The association between personality, attachment, psychological distress, church denomination and the God concept among a non-clinical sample. *Mental Health, Religion & Culture* 8: 141-154.
- Flannelly, K. J., Galek, K., Ellison, C. G., & Koenig, H. G. (2010), Beliefs about God, psychiatric symptoms, and evolutionary psychiatry. *Journal of Religion and Health*, 49 (2): 246-261.
- Ghobary Bonab, B & Haddadi Koohsar, A.A. (2011), *Relations between quality of image of God and mental health in parents of exceptional children*. The 2nd International Conference on Education and Educational Psychology, Procedia Social and Behavioral Sciences 29: 227-231.
- Gorsuch, R. L. (1968), The conceptualization of God as seen in adjective rating. *Journal of the Scientific of Religion*.7: 56-64.
- Gutierrez, J.G., Jimenez, B.M., Hernandez, E.G., & Puente, C.P. (2005), Personality and subjective well-being: Big five correlates and demographic variables. *Personality and Individual Differences*, 38: 1561-1569.
- Haddadi Koohsar, A.A & Ghobary Bonab, B (2011), *Relation between*

quality of image of God and mental health in college students. *Procedia Social and Behavioral sciences* 19: 247–251.

- Hays, N., & Joseph, S. (2003), Big 5 correlate of three measures of subjective well-being: a cross-cultural comparison of Australian and Vietnamese adolescent. *Journal of cross-cultural Psychology*, 30(6): 742-761.
- Kirkpatrick, L.A. (2005), *Attachment, evolution, and the psychology of religion*. New York: The Guilford Press.
- Tisdale, T. H., Key, T. L., Edwards, K. J., Brokaw, B. F., Kemperman, S. R., Cloud, H., Townsend, J., & Okamoto, T. (1997), Impact of treatment on God image and personal adjustment and correlations of God image to personal adjustment and object relations development. *Journal of Psychology and Theology*, 25: 227-239.
- Kuburick, z.(1998), Image of god in religious experience, *the scientific journal FACT understates services: philosophy and sociology*, 1:471-482.
- McCrae, R. R., & Costa P. T. (1991), Adding Liebe und Arbeit: The full five factor model and well-being. *Journal of Personality and Social Psychology*, 17(2): 227-232.
- McCrae, R. R., & Costa P. T. (2004), A contemplated revision of the NEO Five-Factor Inventory. *Personality and individual differences*, 36:587-596.
- Malekjah, R. (2004), *A study of the relationship of happiness and self-esteem among college students*. Unpublished M.S Thesis. Counseling, California State University, Long Beach
- Piedmont, R. L., Williams, J. L., & Ciarrocchi, J. W.(1997), Personality correlates of one's image of Jesus: Histogramic analysis using the five factor model of personality, *Journal of Psychology and Theology*, 25: 363-372.

- Robinson, M.D., Ode, S., Moller, S.K., & Gotez, P.W.(2007), Neuroticism and affective priming: Evidence for a neuroticism-linked negative schema. *Personality and Individual Differences*, 42:1221-1231.
- Rizzuto, A. M. (1979), *The birth of the living God: A psychoanalytic study*. Chicago: University of Chicago Press.
- Saroglou, V.(2010), Religiousness as a cultural adaptation of basic Traits: A five-factor model perspective, *Personality and Social Psychology review*, 14: 108-125.
- Schaap-Jonker, H., Eurelings-Bontekoe, E. ,Zock, H., & Jonker, E. (2008), Developmentand validation of the Dutch Questionnaire God image: Effects of mental health and religious culture, *Mental Health Religion & Culture*, 11: 501-515.
- Schaap-Jonker, H., Eurelings-Bontekoe, E., Verhagen,P. J., & Zock, H. (2002), Image of God and personality pathology: An exploratory study among psychiatric patients, *Mental Health Religion & Culture*, 5: 55-71.
- Slater, T. (2005), The develops of children's concept of God. Retrieved April 10, 2005, from <http://www.ijot.com/papers/slater-children-god-concept.pdf>.
- Verhagen, P., VanPraag, H. M., López-Ibor, J. R.Cox, J., Moussaoui, D.,(2010), Religion and psychiatry: Beyond boundaries. In: E. H. M. Eurelings-Bon-tekoe & H. Schaap-Jonker, (Eds.), *A moment of anger, a lifetime of favor: Image of God, personality, and orthodox religiosity* (pp. 361-372), 2010, John Wiley & Sons Ltd.
- Wu, C. H. (2009), The relationship between attachment style and self concept clarity: The mediation effect of celf esteem. *Personality and Individual Differences*, 47:;42-46.